



گزارش پروشی

مرکز مطالعات و پژوهش‌های
سلامت اداری و مبارزه با فساد

۱۰۷

حکمرانی
و شاخص‌های آن
از منظر بانک جهانی





سال یازدهم، شماره ۱۰۷، فروردین ۱۳۹۷

مرکز مطالعات و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد

نام گزارش: حکمرانی و شاخص‌های آن از منظر بانک جهانی

نویسنده: دکتر محمدجواد حق‌شناس

شمارگان: ۳۰۰

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: فروردین ۱۳۹۷

مطالب مندرج در این گزارش نشانگر دیدگاه نویسندگان آن است و لزوماً نمایانگر دیدگاه

سازمان بازرسی کل کشور نیست.

کلیه حقوق مربوط به این گزارش به سازمان بازرسی کل کشور تعلق دارد و هرگونه انتشار

مطالب آن بدون کسب اجازه از سازمان، غیرمجاز است.

فهرست مطالب

۷.....	اشاره
۸.....	مقدمه
۹.....	پیشینه و مفهوم حکمرانی
۱۲.....	زیر شاخص های حکمرانی
۱۲.....	حق اظهار نظر و پاسخگویی
۱۵.....	ثبات سیاسی و عدم خشونت
۱۶.....	کیفیت قوانین و مقررات
۱۷.....	حاکمیت قانون
۲۰.....	کارآمدی و اثربخشی دولت
۲۲.....	کنترل فساد
۲۳.....	منابع مورد استفاده
۲۶.....	روش شناسی شاخص
۳۳.....	وضعیت کشورها در شاخص ۲۰۱۶
۴۲.....	فرجام سخن
۴۳.....	فهرست منابع

اشاره

سلامت اداری را می‌توان با استفاده از دو رویکرد کلی ارتقا بخشید، مبارزه با فساد اداری یا پیشگیری از آن. به باور اغلب صاحب‌نظران، پیشگیری بسیار کم‌هزینه‌تر و مؤثرتر از مبارزه با فساد است.

یکی از ابزارهای پیشگیری از فساد، اعمال اصلاحات نهادی است. نظریه حکمرانی که در سه دهه اخیر در محافل بین‌المللی از جایگاه مناسبی برخوردار شده است به دنبال این هدف است. بانک جهانی از سال ۱۹۹۶ شاخصی را با عنوان حکمرانی جهانی منتشر می‌کند که وضعیت کشورهای جهان در آن، مورد سنجش قرار می‌گیرد. در این شاخص ابعاد مختلف حکمرانی همچون پاسخگویی، ثبات سیاسی، کارآمدی دولت، وضعیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد مورد بررسی قرار می‌گیرد. با توجه به اهمیت حکمرانی در ارتقای سلامت اداری و مقابله با فساد در این گزارش علاوه بر بررسی مفهوم و پیشینه حکمرانی، به معرفی شاخص حکمرانی بانک جهانی، منابع و مرور جدیدترین گزارش آن پرداخته‌ایم.

مرکز مطالعات و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد

مقدمه

نوع و شیوه اعمال حاکمیت تأثیر به سزایی در کاهش یا گسترش فساد دارد. اهمیت این موضوع به حدی است که از گذشته‌های دور تاکنون نحوه انتخاب حاکمان و روش حکومتی آن‌ها مورد بحث اندیشمندان مختلف بوده است. با به رسمیت شناخته شدن حق مردم در انتخاب مدیران جامعه و فراگیر شدن دموکراسی در کشورهای مختلف، نحوه اعمال حاکمیت از اهمیت وافری برخوردار شده است. در چند دهه اخیر، موضوعات مختلفی به ویژگی‌های یک حکومت مطلوب اضافه شده است که این موضوع با عنوان حکمرانی توسط مؤسسات و نهادهای مختلف بین‌المللی مورد بررسی قرار گرفته است. بانک جهانی به‌عنوان یکی از مشهورترین نهادهای مالی بین‌المللی از جمله مؤسساتی است که این موضوع را از اواخر دهه ۱۹۸۰ در دستور کار خود قرار داده است.

حکمرانی به‌دلیل نقش مؤثری که در مبارزه با فساد دارد مورد توجه بانک جهانی قرار گرفته است. این بانک بیش از دو دهه تلاش‌های مبارزه با فساد را رهبری کرده است و حکمرانی خوب یکی از اهداف اصلی آن در برنامه‌های کشوری، استخداها و طراحی و اجرای پروژه‌ها بوده است.

بانک جهانی از دو دهه پیش تاکنون به‌صورت سالیانه به بررسی وضعیت حکمرانی در کشورهای مختلف جهان می‌پردازد که نتایج این بررسی در شاخصی تحت عنوان شاخص‌های حکمرانی جهانی (WGI)^۱ منتشر می‌شود. شاخص حکمرانی شامل شش زیرشاخص است که ابعاد مختلف حکمرانی را مورد سنجش قرار می‌دهد و در آن وضعیت بیش از ۲۰۰ کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد. این زیرشاخص‌ها عبارت‌اند از: حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و عدم وجود خشونت/ تروریسم، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد. این زیرشاخص‌ها مبتنی بر

صدها متغیر است که از ۳۱ منبع مختلف دریافت شده‌اند و ادراک پاسخ‌دهندگان، سازمان‌های غیردولتی، عرضه‌کنندگان اطلاعات بنگاه‌های تجاری و سازمان‌های دولتی در سراسر جهان را مورد بررسی قرار می‌دهند.

در این گزارش ابتدا به بررسی پیشینه و مفهوم حکمرانی و زیرشاخص‌های آن پرداخته شده، سپس نحوه سنجش و منابع مورد استفاده در شاخص حکمرانی مورد بررسی قرار گرفته و در پایان وضعیت کشورها در جدیدترین گزارش یعنی گزارش سال ۲۰۱۶ ارائه شده است.

پیشینه و مفهوم حکمرانی

مطالعه سیر تکوین مفهوم حکمرانی، مخاطب را به رویکرد نهادگرا پیوند می‌زند. نهادگرایی از جمله رویکردهای مقبول در میان نظریه‌پردازان سیاسی و اقتصادی است که از چند دهه پیش تاکنون به‌عنوان یکی از رویکردهای غالب در راستای رشد و توسعه اقتصادی مطرح بوده است. سیر تحول نهادگرایی از دهه ۱۹۸۰ به نظریه حکمرانی رسیده است. نهادها و مؤسسات بین‌المللی درگیر در مسائل توسعه که چند دهه شاهد فقدان اثربخشی راه‌حل‌های ارائه شده به کشورهای درحال توسعه بودند از اواسط دهه ۱۹۸۰ به این نتیجه رسیدند که یکی از موانع مهم توسعه، ضعف زیرساخت‌های نهادی در این کشورها است که باعث هدررفت کمک‌های اعطایی از سوی نهادهای بین‌المللی به این کشورها می‌شود. از این‌رو اصلاح نهادها موردتوجه قرار گرفت و به‌این‌ترتیب حکمرانی به‌عنوان الگویی مطلوب برای پیشبرد اصلاحات در این کشورها مطرح شد.

با توجه به اینکه حضور یا عدم حضور دولت در اقتصاد و میزان این حضور از دیرباز در زمره پرسش‌های اصلی علوم سیاسی و اقتصاد بود و در دوران نظام دوقطبی باعث تقابل دو دیدگاه لیبرالی و مارکسیستی از دولت شده بود با پایان جنگ سرد و شکست

نظریه دولت بزرگ این ایده مورد اقبال قرار گرفت که دولت باید کوچک ولی اثربخش باشد؛ این مبانی در نظریه حکمرانی تجلی یافت که بر دولت کوچک و کارآمد تأکید می‌کرد. پس از شکست ایده دولت بزرگ، صاحب‌نظران به این نتیجه رسیدند که به‌منظور پیشبرد توسعه و رفاه در کشورهای در حال توسعه، ساختارها باید اثربخش و چابک شود که این موضوع در ادبیات علمی، حکمرانی نامیده می‌شود.

حکمرانی به‌عنوان یکی از زیرشاخه‌های اصلی رهیافت نهادگرایی مشکل توسعه‌نیافتگی را نهادهای نامناسب می‌داند و معتقد است با اصلاح نهادها، سازوکارهای تخصیص منابع از طریق بازار تقویت می‌شود. بر این اساس حق اظهار نظر و پاسخگویی، کیفیت قوانین و مقررات، ثبات سیاسی و عدم خشونت، حاکمیت قانون، کارآمدی و اثربخشی دولت و کنترل فساد شاخص‌های حکمرانی است که در صورت مطلوب بودن این شاخص‌ها امکان دستیابی به رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی میسر می‌باشد (حق‌شناس، ۱۳۹۲).

ریشه حکمرانی به واژه یونانی Kubernan برمی‌گردد، واژه‌ای که افلاطون برای چگونگی هدایت یک نظام حکومتی به کار می‌برد. این واژه، در قرون وسطی به Gubernane تبدیل شد که بر حکمروایی یا راهبری دلالت دارد. در اینجا حکمرانی عمل یا شیوه حکومت کردن یا کارکرد حکومت است (کایر، ۱۳۸۶: ۳). به تدریج و با تکامل این مفهوم، اصطلاح Governance به معنای حکمرانی رایج گردید.

هرچند بحث‌های وسیعی در میان سیاست‌گذاران و محققان درباره حکمرانی صورت گرفته است، اما توافق قوی در مورد تعریفی واحد از آن وجود ندارد. نویسندگان و صاحب‌نظران مختلف تعاریف گوناگونی از آن ارائه داده‌اند.

در فرهنگ لغت آکسفورد، حکمرانی «فعالیت یا روش اداره دولت، سازمان و هر مجموعه دیگر» تعریف شده است (Oxford, 2012). تعریف بانک جهانی نیز شباهت زیادی به این تعریف دارد و حکمرانی را "شیوه‌ای که از طریق آن، قدرت در

مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی کشور برای توسعه اعمال می‌شود" تعریف می‌کند. بانک جهانی تعریف دیگری نیز از حکمرانی ارائه کرده است: «ظرفیت نهادی سازمان‌های دولتی برای ارائه کالاهای عمومی و سایر کالاهایی که شهروندان یک کشور یا نمایندگانشان تقاضا می‌کنند به شیوه‌ای اثربخش، شفاف، بی‌طرفانه و پاسخگو با توجه به محدودیت منابع» (World Bank, 1989:60). آنچه در این دو تعریف به چشم می‌خورد توجه به نهادها و رفتار معطوف به قواعد است. اما دفتر اسکان سازمان ملل متحد در تعریف خود از حکمرانی، نگاهی فرآیندی به این مفهوم دارد: «حکمرانی مجموعه‌ای از اقدامات فردی و نهادی، عمومی و خصوصی برای برنامه‌ریزی و اداره مشترک امور است و فرایند مستمری از ایجاد تفاهم میان منافع متفاوت و متضاد است که در قالب اقدامات مشارکتی و سازگار حرکت می‌کند و شامل نهادهای رسمی و ترتیبات غیررسمی و سرمایه اجتماعی شهروندان است» (UNESCAP, 2002: 5).

چارلیک حکمرانی را مدیریت اثربخش مسائل عمومی در چارچوب قوانین پذیرفته‌شده با هدف رشد و تقویت ارزش‌های جامعه به‌وسیله افراد و گروه‌ها تعریف می‌کند (قلی‌پور، ۱۳۸۴: ۱۱۲). این تعریف از حکمرانی بسیار کلی است و مفهوم آن را به‌درستی نشان نمی‌دهد. به نظر روزنا^۱ حکمرانی اشاره به سازوکارهایی دارد که سیستم‌های اجتماعی برای رسیدن به اهداف خود، آن‌ها را به‌کار می‌گیرند. یعنی مسیرهایی که فرامین از طریق آن‌ها به شکل اهداف قالب یافته، دستورات صادر شده و سیاست دنبال شده جریان پیدا می‌کند. به اعتقاد توماس ویس حکمرانی در تعامل دولت و جامعه مدنی معنا پیدا می‌کند. در حکمرانی، جامعه مدنی که کنشگران سیاسی درون آن فعالیت کرده و آن را در برابر دولت حفظ می‌کنند اهمیت زیادی دارد.

حکمرانی نه تنها نهادهای حکومتی را در برمی گیرد بلکه نهادهای غیردولتی را نیز تحت پوشش قرار می دهد (Weiss, 2000: 795-814).

السنهانس در تعریف خود بر تعامل سه بخش دولت، بازار و جامعه مدنی متمرکز می شود. به نظر وی حکمرانی خوب «هنر مدیریت تعامل سه سازوکار اصلی یعنی بازار، دولت و جامعه مدنی است» (Elsenhans, 2001: 35). گوئل معتقد است حکمرانی متفاوت از حکومت است و به شیوه راهبری و اداره حکومت مربوط می شود (Goel, 2007: 3).

در شاخص حکمرانی، بانک جهانی حکمرانی را شامل سنت ها و نهادهایی پیاده شده توسط مقامات کشورها و فرایند انتخاب، نظارت و جایگزینی دولت ها و ظرفیت دولت برای اجرا و تدوین مؤثر سیاست های صحیح و احترام شهروندان و دولت به نهادهایی که بر تعاملات اقتصادی و اجتماعی میان آن ها تأثیر می گذارد، تعریف می کند.

زیرشاخص های حکمرانی

در شاخص حکمرانی جهانی که هر ساله از سوی بانک جهانی منتشر می شود، وضعیت شش زیرشاخص مورد بررسی قرار می گیرد: حق اظهارنظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و عدم خشونت/ تروریسم، اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد.

حق اظهارنظر و پاسخگویی^۱

این شاخص شامل دو موضوع حق آزادی بیان برای شهروندان و پاسخگویی برای مسئولان است. آزادی اندیشه و بیان یکی از اصول اساسی است که در معاهدات

مختلف بین‌المللی بر آن تأکید شده است. قدمت این حق بشری، به درازای تاریخ است و در طول قرون و اعصار، تحولات مختلفی را پشت سر گذاشته است. یکی از اهداف مهم اغلب انقلاب‌های بزرگ در جهان، تحقق آزادی بیان و اندیشه بوده است. با توجه به اهمیت این اصل، در الگوی حکمرانی که توسط نهادهای بین‌المللی و در رأس آن بانک جهانی ترویج می‌شود پذیرش اصل آزادی بیان و اندیشه توسط دولت‌ها به‌عنوان اصلی اساسی مورد تأکید قرار می‌گیرد. امروزه سازمان‌های مختلف حقوق بشری در جهان وضعیت دولت‌ها در رعایت آزادی بیان و اندیشه را مورد ارزیابی قرار می‌دهند و تخطی از این اصل می‌تواند باعث مجازات‌های خاطبان شود. با این حال باید به این موضوع توجه داشت که آزادی بیان نیز همچون بسیاری از مفاهیم بنیادین دیگر می‌تواند توسط برخی اشخاص، گروه‌ها، دولت‌ها و حتی نهادهای بین‌المللی مورد سوءاستفاده قرار گیرد.

در کنار آزادی بیان، پاسخگویی یکی از شاخص‌های اصلی حکمرانی است. اهمیت پاسخگویی مقامات دولتی در این است که تصمیمات و اقدامات کارگزاران دولتی بر امور اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جوامع تأثیر بسیار دارد.

پاسخگویی سه هدف اصلی را تعقیب می‌کند: کنترل قدرت، تضمین استفاده صحیح از منابع عمومی و بهبود انجام خدمات دولتی. پاسخگویی از جنبه نظارتی در همه نظام‌های سیاسی امروز نقشی محوری دارد؛ پاسخگویی تضمینی برای استفاده صحیح از منابع عمومی تلقی می‌شود (Aucoin & Heintzman, 2000: 53).

پاسخگویی برحسب منبع نظارت و درجه استقلال به چهار نوع سیاسی، قانونی، سازمانی و حرفه‌ای تقسیم می‌شود. پاسخگویی سازمانی همان نظارت درون‌سازمانی است. در این پاسخگویی که براساس روابط سلسله‌مراتبی مبتنی است، مدیران بر عملکرد کارکنان خود نظارت می‌کنند. نظارت مستقیم، ارزیابی عملکرد و تدوین

مقرراتی که اختیارات کارکنان را محدود می‌کند از مصادیق این پاسخگویی محسوب می‌شود.

پاسخگویی قانونی به نظارت بیرونی بر عملکرد مربوط می‌شود که هدف آن انطباق عملکرد با الزامات قانونی است. این نوع پاسخگویی بر روابط کارگزار-کارفرما استوار است و این موضوع بررسی می‌شود که آیا کارگزار انتظارات کارفرما را تأمین کرده است یا خیر.

تفاوت پاسخگویی حرفه‌ای و سیاسی به منبع استاندارد عملکرد برمی‌گردد یعنی استاندارد عملکرد را چه کسی تعیین می‌کند. در پاسخگویی حرفه‌ای منبع استاندارد عملکرد، قضاوت شخصی فرد کارمند است، حال آنکه در پاسخگویی سیاسی این منبع دیگران هستند و نه خود شخص. در نظام‌های پاسخگویی حرفه‌ای استقلال افراد در تصمیم‌گیری‌ها کم‌وبیش حفظ می‌شود و عملکرد آنان با هنجارهای حرفه‌ای، اعتقادات شخصی و تجارب به‌دست‌آمده از سوی آنان مورد قضاوت قرار می‌گیرد. در پاسخگویی سیاسی مدیران به خواسته‌های مقامات سیاسی یعنی منتخبان مردم، گروه‌های ذی‌نفع و دیگر نهادهای سیاسی پاسخ می‌دهند؛ به عبارت دیگر پاسخگویی سیاسی نظارت صاحبان و ذینفعان اصلی سازمان‌ها بر عملکرد مدیران است (Campbell, 1993: 112).

مطالعه نظام‌های پاسخگویی در کشورهای مختلف جهان، نشان می‌دهد همه این جوامع ضرورت و اهمیت پاسخگویی بوروکراسی به نهادهای سیاسی را پذیرفته‌اند و ساختارهایی برای پاسخگو کردن سازمان‌های اداری تأسیس کرده‌اند. با این حال اثربخشی نظام‌های پاسخگویی در کشورهای مختلف با یکدیگر تفاوت‌های زیادی دارد که این تفاوت بیشتر به ساختار سیاسی، میزان دموکراتیک بودن حکومت و نیز سنت پاسخگویی دیوانسالاری به نهادهای سیاسی مربوط می‌شود (فقیهی، ۱۳۸۰: ۳۲۳).

به دلیل عدم ارتباط درست بین دولت و جامعه در اغلب کشورهای در حال توسعه، نظام سیاسی و دیوانسالاری کمتر خود را ملزم به پاسخگویی به شهروندان می‌داند و از این رو پاسخگویی در این کشورها اغلب ضعیف است.

ثبات سیاسی و عدم خشونت

یکی از شاخص‌های مهم حکمرانی، ثبات نظام سیاسی در آن کشور و پذیرش تغییر در هیأت حاکمه به صورت مدنی و به دور از خشونت است. به دلیل پیچیدگی مفهوم ثبات، اندیشمندان مختلف بر ابعاد مختلفی از این مفهوم تأکید کرده‌اند. به عنوان مثال در حالی که آکه ثبات را به معنای منظم بودن جریان تعاملات سیاسی تعریف می‌کند، "هانتینگتون" آن را در نهادمندی سیاسی می‌داند (هانتینگتون، ۱۳۷۵). اما "لیپست" ثبات سیاسی را به صورت پیوستگی یا تداوم یک نوع سیستم سیاسی خاص تعریف می‌کند. بر اساس این تعریف در صورتی می‌توان گفت کشوری دارای ثبات سیاسی است که نظام دموکراسی یا دیکتاتوری در آن حداقل به مدت ۲۵ سال تداوم یافته باشد.

هورویتز رویکردهای گوناگون موجود در مورد ثبات سیاسی را شامل این موارد می‌داند: (۱) ثبات سیاسی به معنای عدم وجود خشونت؛ (۲) ثبات سیاسی به معنای دوام و پایداری حکومت؛ (۳) ثبات سیاسی به معنای وجود رژیم مشروع و قانونی؛ (۴) ثبات سیاسی به معنای عدم وجود تغییرات ساختاری؛ (۵) ثبات سیاسی به معنای اشکال و جوه چند بعدی اجتماعی. تعاریف دیگری نیز از سوی افرادی چون ساندرز، داودینگ و کیمبر و نیدلر ارائه شده است (موتقی و کرمزادی، ۱۳۹۵).

بانک جهانی تعریفی چند بعدی از ثبات سیاسی را مدنظر دارد که در آن هم ابعاد سیاسی و هم ابعاد اجتماعی مدنظر قرار گرفته است. بر این اساس هرگونه آشوب، درگیری، تضاد اجتماعی، تظاهرات، اعتصاب و ... که باعث تزلزل دولت یا سرنگونی آن شود مصداق بی‌ثباتی است.

فقدان ثبات سیاسی و اعمال خشونت در راستای دستیابی به منافع سیاسی و اقتصادی زمینه ظهور تروریسم را فراهم می‌کند که با حکمرانی در تضاد است؛ موضوعی که امروزه در بسیاری از مناطق جهان به‌ویژه خاورمیانه با آن روبه‌رو هستیم. عدم اجماع گروه‌های داخلی برای تشکیل دولت از راه مسالمت‌آمیز و اعمال خشونت در دستیابی به قدرت سیاسی است. واقعیت این است که امنیت اولین و مهم‌ترین موضوع در حکمرانی است که این مؤلفه تنها از طریق ثبات سیاسی و عدم استفاده از خشونت قابل تحقق است.

کیفیت قوانین و مقررات

با توجه به جایگاه رفیع قوانین در حکومت مدرن، قانون‌گذاری یکی از سه وظیفه اصلی هر حکومت است و در هر کشور برای این کار نهاد مستقلی در نظر گرفته می‌شود. با توجه به اینکه رابطه بین شهروندان با یکدیگر و دولت با شهروندان بالعکس براساس قوانین هماهنگ می‌شود کیفیت قوانین و مقررات در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... در راستای ایجاد نظام عادلانه، آزاد و رقابتی از اهمیت وافری برخوردار است. در صورتی که قوانین و مقررات وضع شده توسط حکومت، مطلوب باشند امکان تحقق اصول عدالت، آزادی و برابری وجود دارد و بالعکس در صورت عدم وجود قوانین و مقررات مناسب زمینه بروز اختلاف، کشمکش و تضادهای سیاسی و اجتماعی افزایش پیدا می‌کند.

همان‌طور که حکمرانی مستلزم حاکمیت قانون است، تحقق حاکمیت قانون نیز نیازمند قوانین خوب است. بنابراین قوانین باید مبتنی بر مجموعه‌ای از اصول باشند که بتوانند نظام حقوقی را ارتقاء دهند. قانون باید درمورد تمام موضوعات به‌صورت برابر، با حمایت مساوی و بدون تفاوت‌های تبعیض‌آمیز اعمال شود. قانون باید عمومیت داشته باشد و به نحوی باشد که اطاعت کردن از آن امکان‌پذیر باشد.

در گذشته قانون طبیعی پایه و اساس قوانین محسوب می‌شدند اما امروزه، بیشتر جوامع بر دموکراسی و حقوق بشر به‌عنوان پایه و اساس قوانین خوب تکیه دارند. تلاش برای اصلاح کاستی‌های برداشت شکلی به‌وسیله ترکیب تصورات خاص از حقوق و دیگر ویژگی‌های اخلاق سیاسی، مفهوم برداشت شکلی از قانون را به مفهوم ماهوی آن تبدیل کرده است.

اگر نظام حاکم بر هر جامعه را متشکل از سه بخش دولتی، خصوصی و جامعه مدنی در نظر بگیریم تنظیم رابطه بین این سه بخش براساس قوانین و مقررات امکان‌پذیر است. قوانین علاوه بر جامعیت و شفافیت باید زمینه تعامل و همکاری مناسب بین این سه بخش را فراهم نمایند. در نظریه حکمرانی بر مقررات‌زدایی به معنای کاستن از حجم قوانین و مقررات دست و پاگیر دولتی تأکید می‌شود و براساس این نظریه دولت باید مداخله خود در اقتصاد را محدود نموده و اجازه گسترش بخش خصوصی و جامعه مدنی را فراهم نماید.

حاکمیت قانون^۱

حاکمیت قانون یکی از شاخص‌های حکمرانی است که تفاوت‌های جوامع در حال توسعه و توسعه‌یافته را نشان می‌دهد. تأکید بر قانون‌گرایی سابقه چند سده در غرب دارد و اساس شکل‌گیری دولت مدرن را تشکیل می‌دهد. در سنت حقوقی غرب، حاکمیت قانون در تقابل با حکومت شخص معنا شده است. در واقع هسته حاکمیت قانون متشکل از ارزش‌های پایدار نظم و محدودیت است که در شعار حکومت قوانین نه حکومت شخص متجلی شده است (مرکز مال‌میری، ۱۳۸۵). اصرار بر حاکمیت قانون و نه حکومت شخص، اصل بنیادین برای مطالبات دیگری از قبیل رعایت و احترام به حقوق بشر و آزادی‌های فردی نیز بوده است، چرا که گام نخست در تحقق آرمان‌های

مطرح شده، محدودیت و چارچوب‌بندی قدرت زمامداران در قالب حقوقی مشخص است.

گسترش دیوانسالاری و در نتیجه دخالت دولت در امور گوناگون، لزوم قانونمند کردن روابط میان دولت و مردم را بیش از پیش افزایش داد و قوانین و مقررات متعددی در این زمینه وضع گردید. به نحوی که امروزه دولت‌ها در محاصره حقوق قرار دارند و به‌منظور رعایت قوانین و مقررات تحت نظارت قضایی می‌باشند. اندیشه دولت قانون‌مند باعث شد تمامی دستگاه‌های حاکمیتی تحت نظارت قانون قرار گیرند و مقامات اداری در تصمیم‌گیری و انجام وظایف خود از قانون پیروی کنند.

امروزه صرف محدودیت حکومت براساس قانون کافی نیست و قوانین باید جنبه دموکراتیک داشته باشند. در معنای سنتی، حاکمیت قانون بدان معنا است که هیچ شخص حقیقی و حقوقی از قانون بالاتر نیست. حکومت‌های دموکراتیک، قدرت را از طریق قانون به کار می‌بندند و خود ملزم به اطاعت از آن هستند. اما در معنای مدرن، قوانین باید توسط مردم و یا نمایندگان آن‌ها وضع شود. مردم در حکومت‌های دموکراتیک مشتاق پیروی از قانون هستند، چراکه از قواعد و دستورات خودشان اطاعت می‌کنند.

از یک دیدگاه، حاکمیت قانون را می‌توان به‌طور مضیق در پرتو اصل تفکیک قوا تعبیر و آن را ناظر بر مصوبات نهاد قانون‌گذاری دانست. در این مفهوم، قانون مبین حاکمیت و اراده ملی، بیان اراده آزاد عموم است که از طریق نهاد قانون‌گذاری که خود تجلی اراده ملت و آینه تمام‌نمای آن است عرضه و ارائه می‌شود. قانون را به مفهوم عام آن نیز می‌توان به کار برد. در این مفهوم قانون ضوابط عام و کلی است که برای همگان به‌طور مساوی ایجاد حق و تکلیف می‌کند، حدومرز اعمال تابعان قانون را مشخص می‌نماید و به تنظیم روابط افراد، گروه‌ها و جامعه مدنی می‌پردازد (هاشمی، ۱۳۸۰: ۱۳۰).

"بلتون" پنج شاخص برای حاکمیت قانون ارائه کرده است: استقرار دولتی مقید به قانون و تحت حاکمیت قانون، تساوی همگان در برابر قانون، ایجاد و برقراری نظم مطابق قانون، تصمیمات کارآمد و قابل پیش‌بینی و حمایت از حقوق بشر (Belton, 2005: 3).

دو برداشت از حاکمیت قانون وجود دارد: برداشت شکلی و برداشت ماهوی. در برداشت شکلی از حاکمیت قانون، ویژگی‌های قانون عبارت‌اند از: عام بودن، انتشار عمومی، عطف به ماسبق نشدن و واضح بودن. در این برداشت، اولاً حاکمیت قانون، مستقل از دموکراسی تعریف می‌شود؛ ثانیاً اصل محوری حاکمیت قانون، برابری در مقابل قانون، دانسته می‌شود؛ ثالثاً ویژگی عام بودن قانون یکی از مبانی تحلیل حاکمیت قانون تلقی می‌شود.

در مقابل، برداشت ماهوی به محتوای قانون حاکم می‌پردازد و مفهوم حاکمیت قانون را با دیگر ارزش‌ها و هنجارهای بنیادین از قبیل عدالت، برابری و... در هم می‌آمیزد و در واقع، نقش آموزه‌های اخلاقی به جای آموزه‌های حقوقی پررنگ‌تر می‌شود و در پرتو این مفهوم، اصول کلی‌تر راجع به برابری و انصاف موردتوجه و تفسیر قرار می‌گیرد و آزادی‌های بنیادین افراد، مؤلفه‌هایی از اصل حاکمیت قانون به‌شمار می‌روند (مرکز مال‌میری، ۱۳۸۵، ۷۸-۵۳).

در یک تعریف روشن از اصل حاکمیت قانون می‌توان آن را نوعی حکمرانی تلقی کرد که در آن تمامی اشخاص، نهادها و مؤسسات از جمله خود دولت در برابر قوانینی که به صورت عمومی منتشر شده‌اند پاسخگو هستند، این قوانین به طور مساوی اعمال می‌شوند و به طور برابر مورد قضاوت قرار می‌گیرند و منطبق بر هنجارها و معیارهای حقوق بشری هستند. این اصل همچنین مستلزم اقداماتی است که تبعیت از اصول برتری قانون، تساوی در برابر قانون، پاسخگو بودن در برابر قانون، عادلانه بودن

اجرای قانون، تفکیک قوا، مشارکت در تصمیم‌گیری، صراحت قانونی، اجتناب از اقدامات خودسرانه و شفافیت دادرسی و قانونی را تضمین کنند.

در جوامع دموکراتیک، استفاده خودسرانه از قدرت بی‌احترامی نسبت به حاکمیت قانون محسوب می‌شود محدودیت‌های قانون اساسی بر قدرت دولت، برای جلوگیری از اعمال قدرت خودسرانه است. در واقع، حاکمیت قانون را می‌توان به‌عنوان مطیع‌کننده قدرت دولت نسبت به قانون اساسی کشور و قوانین ایجادشده از طریق رضایت عمومی تعریف کرد. تحت چنین نظامی، قانون باید برتر از اختیارات افراد باشد. حاکمیت قانون یک نظارت برتر بر قدرت سیاسی است که برای رعایت حقوق مردم استفاده می‌شود. بدون تبعیت قدرت دولت از قوانین، دموکراسی نمی‌تواند باقی بماند.

کارآمدی و اثربخشی دولت

حکمرانی در عین آنکه از دولت کوچک پشتیبانی می‌کند معتقد به کارآمدی و اثربخشی دولت است. زیرا دولت و نظام اداری کارآمد و اثربخش است که امکان اجرای مؤثر برنامه‌ها و سیاست‌های دولتی را فراهم کند.

کارآمدی در حقیقت بیانگر قابلیت و توانایی اداره کشور توسط مدیران و کارگزاران جامعه است که رضایتمندی مردم را در پی دارد. بانک جهانی کارآمدی حکومت را توانایی دولت در راستای تحقق خواسته‌های جامعه می‌داند. توانایی دولت‌ها در انجام وظایف، زمینه‌ساز تحقق نیازهای افراد جامعه است. کارآمدی در اصل یکی از پایه‌های کسب مشروعیت دولت در جامعه است زیرا فرایندی است که از طریق آن حکومت می‌تواند با جلب رضایت مردم از اداره کشور و جامعه، موجب مقبولیت خویش شود (پرچمی و جلالی، ۱۳۹۵: ۱۱۵).

اثربخشی عبارت است از میزان موفقیت سازمان‌ها در دستیابی به اهداف موردنظر. در تعریف کارایی نیز می‌توان گفت که کارایی به معنای استفاده حداکثر از منابع موجود

است به نحوی که بیشترین برون‌داد با کمترین هزینه به دست آید (میرمحمدی، ۱۳۸۷). اندازه‌گیری کارآمدی معمولاً نیازمند این سه عامل است: الف) برآورد هزینه‌ها، ب) برآورد خروجی و ج) مقایسه بین این دو. در استفاده از این مفهوم درمورد هزینه فعالیت‌های دولت می‌توان گفت هزینه‌های دولتی زمانی کارآمد است که با فرض میزان مصرف آن‌ها، بیشترین مزایای ممکن را برای جمعیت موردنظر داشته باشد.

درخصوص معیارهای سنجش کارآمدی و اثربخشی تفاوت‌هایی در دیدگاه نهادهای بین‌المللی و صاحب‌نظران دیده می‌شود. برخی همچون بانک جهانی بیشتر بر توانایی دولت در اجرای برنامه‌ها، کیفیت خدمات عمومی و سیاست‌گذاری کسب‌وکار تأکید دارند و برخی همچون کمیسیون اقتصادی و اجتماعی ملل متحد بر توجه دولت‌ها به توسعه پایدار و حفظ محیط‌زیست تأکید می‌کنند. با این حال معیارهای دیگری همچون اقتدار نظام قضایی و استقلال آن از دخالت سایر قوا و افراد ذی‌نفوذ، سرعت عمل آن در دادرسی‌ها و سهولت دسترسی مردم به دستگاه قضایی در کارآمدی و اثربخشی تأثیر به سزایی دارد. میزان دخالت دولت در اقتصاد و سیاست‌های دولت در زمینه بازار نیز از جمله معیارهایی است که در کارآمدی و اثربخشی موردتوجه قرار می‌گیرد.

راهکارهای اصلی که کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه برای اصلاح ترتیبات نهادی به‌منظور افزایش کارآمدی و اثربخشی دولت مورد استفاده قرار داده‌اند شامل واگذاری اختیارات و تمرکززدایی، افزایش رقابت، تغییر ساختار و اندازه منابع انسانی، تغییر شیوه و رویه‌های بودجه‌ریزی و ارائه رویکردهای نتیجه‌محور به بودجه‌ریزی و مدیریت است. با این حال تأثیر این اقدامات بر اثربخشی دولت به دلایلی از جمله فقدان منابع برای انجام ارزیابی، فقدان سنجش عملکرد قبل از اصلاحات، پیچیدگی سنجش بهره‌وری در بخش دولتی و مشکل جدا کردن تأثیرات خاص اصلاح نهادی بر بهره‌وری از دیگر تأثیرات خارجی محدود بوده است.

کارآمدی و اثربخشی دولت و نظام اداری تأثیر متقابلی بر یکدیگر دارند. از یکسو دولت کارآمد باعث کارآمدی نظام اداری می‌شود و از سوی دیگر نظام اداری اثربخش و کارآمد امکان دستیابی برنامه‌های دولتی به اهداف موردنظر را فراهم نموده و از این طریق به کارآمدی دولت کمک می‌کند. علاوه بر این، نظام اداری کارآمد عامل مهم پیشگیری از فساد اداری محسوب می‌شود.

کنترل فساد

شاخص دیگر حکمرانی، پیشگیری و مبارزه مؤثر با فساد در انواع مختلف آن است. در مذمت فساد برای رشد و توسعه کشورها و تحقق عدالت و برابری مطالب بسیاری گفته شده و این مسئله به حدی آشکار است که کمتر متخصصی را می‌توان یافت که قادر به درک اهمیت پیشگیری و مبارزه با فساد نباشد.

فساد از مقولاتی است که مشروعیت و کارآمدی دولت‌ها را زیر سؤال می‌برد و در صورت تداوم می‌تواند به فروپاشی حکومت‌ها منجر شود؛ از این رو دولت‌ها، نهایت تلاش خود را به کار می‌گیرند تا مانع از گسترش آن شوند. فساد، دارای ابعاد مختلفی است اما بعدی که شاید بیش از همه موردتوجه قرار گیرد فساد مالی و اداری است. گسترش فساد اداری می‌تواند نظام دیوانسالاری کشور را مختل نموده و با افزایش نارضایتی مردم، مشروعیت دولت را زائل نماید.

فساد، نشان‌دهنده این است که در اداره دولت خلل ایجاد شده است (رزاکرم، ۱۳۸۴). تعریف پذیرفته شده فساد توسط اغلب پژوهشگران سوءاستفاده از قدرت عمومی برای تأمین منافع شخصی است. فساد می‌تواند به روش‌های مختلف همچون مجوز صوری برای فعالیت خاص، تبانی در پرداخت مالیات‌ها، دستکاری در امور ملکی و اسناد دولتی، مناقصات، مزایده‌ها و قراردادهای صوری دولتی، سوءاستفاده در امر تهیه و توزیع کالاها و خدمات، استخدام و اعطای مقامات دولتی و ... انجام

گیرد. فساد زمانی پدیدار می‌شود که نظام سیاست‌گذاری و اجرایی زمینه آن را فراهم آورده و نهادهای ناظر نیز ضعیف عمل نمایند.

رفع فساد مستلزم اقدامات متعددی است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: شفافیت درآمدها و هزینه‌های دولت، نظارت اجتماعی و پاسخگویی، شفاف‌سازی قوانین و اقدامات اقتصادی، آزادی اطلاعات و دسترسی به قوانین و مقررات و غیره.

منابع مورد استفاده

شاخص‌های حکمرانی جهانی نظرات تعداد زیادی از شرکت‌ها، شهروندان و پاسخ‌دهندگان به نظرسنجی‌های تخصصی در کشورهای صنعتی و در حال توسعه در خصوص کیفیت حکمرانی را خلاصه می‌کند. داده‌های این شاخص از بیش از ۳۰ منبع اطلاعاتی گرفته می‌شود که شامل مؤسسات نظرسنجی، اتاق‌های فکر، سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌های بین‌المللی و شرکت‌های خصوصی است.

باید توجه داشت که شاخص حکمرانی منعکس‌کننده دیدگاه‌های رسمی بانک جهانی، مدیران اجرایی آن یا کشورهای نمایندگی‌کننده نیست و بانک جهانی در تخصیص منابع از آن استفاده نمی‌کند (World bank, 2016).

منابع شاخص حکمرانی با یک روش آماری مشهور مقیاس‌دهی و ترکیب می‌شوند و دارای حاشیه خطا نیز هستند. این حاشیه خطا هنگام مقایسه کشورها و در طول زمان باید مورد توجه قرار گیرد. شش زیرشاخص حکمرانی به‌عنوان ابزاری برای مقایسه کشورها و ارزیابی روند، مفید است.

این شاخص توسط دانیل کافمن^۱ از مؤسسه حکمرانی منابع طبیعی و موسسه بروکینگز و آرت کرای^۲ از گروه تحقیقاتی توسعه بانک جهانی در سال ۱۹۹۹ طراحی

1- Daniel Kaufmann

2- Aart Kraay

شد. پابلو زویدو^۱ و ماسیمو ماستروزی^۲ نیز سهم عمده‌ای در توسعه و به‌روزرسانی آن داشتند.

شاخص حکمرانی بر چهار نوع داده استوار است: نظرسنجی از خانوارها و شرکت‌ها، عرضه‌کنندگان اطلاعات بنگاه‌های تجاری، سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های بخش دولتی.

از زمان طراحی شاخص حکمرانی جهانی تاکنون، منابع مختلفی در این شاخص مورد استفاده قرار گرفته‌اند. جدول ۱ منابع مورد استفاده در این شاخص از سال ۱۹۹۶ تاکنون را نشان می‌دهد (Kaufmann, 2010: 29).

جدول ۱: منابع شاخص حکمرانی جهانی

نوع منبع	نام منبع	نشانه اختصاری
متخصصان (دولتی)	ارزیابی نهادی و سیاست‌های کشوری - بانک توسعه آفریقا	ADB
پیمایش	بارومتر آفریقا	AFR
متخصصان (دولتی)	ارزیابی نهادی و سیاست‌های کشوری - بانک توسعه آسیا	ASD
پیمایش	پیمایش محیط کسب و کار تجاری	BPS
متخصصان (سازمان‌های مردم‌نهاد)	شاخص گذار - برتسمن	BTI
متخصصان (سازمان‌های مردم‌نهاد)	کشورهای در حال گذار - خانه آزادی	CCR
متخصصان (بخش تجاری)	خدمات ریسک جهانی - گلوبال اینسایت	DRI
متخصصان (دولتی)	گزارش گذار - بانک توسعه و بازسازی اروپا	EBR
متخصصان (بخش تجاری)	شاخص دموکراسی و ریسک - واحد اطلاعات اکونومیست	EIU
متخصصان (سازمان‌های مردم‌نهاد)	خانه آزادی	FRH
پیمایش	پیمایش بارومتر جهانی فساد - شفافیت بین‌الملل	GCB

1- Pablo Zoido

2- Massimo Mastruzzi

نوع منبع	نام منبع	نشانه اختصاری
پیمایش	گزارش رقابت‌پذیری جهانی - مجمع جهانی اقتصاد	GCS
متخصصان (سازمان‌های مردم‌نهاد)	شاخص یکپارچگی جهانی	GII
پیمایش	نظرسنجی جهانی - گالوپ	GWP
متخصصان (سازمان‌های مردم‌نهاد)	شاخص آزادی اقتصادی - بنیاد هریتج	HER
متخصصان (دولتی)	پایگاه داده‌های حقوق بشر و مقیاس ترور سیاسی - ریچاردز	HUM
متخصصان (دولتی)	ارزیابی عملکرد بخش روستایی - ایفاد	IFD
پیمایش	پیمایش فساد در آسیا - گروه مشاور ریسک اقتصادی سیاسی	PRC
متخصصان (بخش تجاری)	رتبه‌بندی ریسک امنیت کشوری	IJT
متخصصان (دولتی)	بانک اطلاعاتی وضعیت نهادی	IPD
متخصصان (سازمان‌های مردم‌نهاد)	شاخص انتخاباتی آفریقا	IRP
پیمایش	بارومتر آمریکای لاتین	LBO
متخصصان (سازمان‌های مردم‌نهاد)	شاخص پایداری رسانه - هیأت مبادلات و پژوهش بین‌المللی	MSI
متخصصان (سازمان‌های مردم‌نهاد)	شاخص شفافیت بودجه - پروژه بین‌المللی بودجه	OBI
متخصصان (دولتی)	ارزیابی نهادی و سیاست‌های کشوری - بانک جهانی	PIA
متخصصان (بخش تجاری)	راهنمای ریسک کشوری - خدمات بین‌المللی ریسک سیاسی	PRS
متخصصان (سازمان‌های مردم‌نهاد)	شاخص آزادی مطبوعات - گزارشگران بدون مرز	RSF
متخصصان (دولتی)	قاچاق در گزارش‌های مردمی وزارت خارجه آمریکا	TPR
پیمایش	بارومتر آمریکایی - دانشگاه واندربیلت	VAB
پیمایش	سالنامه رقابت‌پذیری جهانی - مؤسسه مدیریت و توسعه	WCY
متخصصان (بخش تجاری)	شاخص‌های ریسک و شرایط تجاری - گلوبال اینسایت	WMO

روش‌شناسی شاخص

شاخص حکمرانی جهانی یک شاخص ترکیبی است به این معنا که از طیف وسیعی از شاخص‌های مرتبط در آن استفاده می‌شود. اطلاعات گردآوری شده در این خصوص در شش خوشه براساس شش بعد حکمرانی تقسیم می‌شود. برای هر یک از این خوشه‌ها، از یک روش آماری شناخته شده با عنوان مدل مؤلفه‌های غیرقابل مشاهده استفاده می‌شود تا (۱) داده‌های این منابع به واحدهای قابل قیاس، استاندارد شود؛ (۲) یک شاخص تجمعی از حکمرانی به عنوان میانگین وزنی متغیرهای منبع اصلی ایجاد شود؛ (۳) حاشیه خطایی که منعکس کننده عدم قطعیت اجتناب‌ناپذیر در سنجش حکمرانی است، ایجاد شود.

هر یک از زیرشاخص‌های حکمرانی با میانگین‌گیری از داده‌های منابع اصلی که با مفهوم حکمرانی موردنظر مطابقت دارند، ساخته می‌شوند. این کار در سه مرحله به شرح ذیل انجام می‌شود:

مرحله ۱: اختصاص داده‌های هر منبع به شش زیرشاخص. سؤالات اختصاصی هر منبع به هر کدام از شش زیرشاخص کلیدی اختصاص داده می‌شود. به عنوان مثال، سؤال نظرسنجی مربوط به محیط نظارتی به کیفیت مقررات اختصاص داده می‌شود یا شاخص آزادی مطبوعات به حق اظهارنظر و پاسخگویی اختصاص می‌یابد. باید توجه داشت که تمام منابع همه کشورها را پوشش نمی‌دهند؛ لذا امتیاز حکمرانی کلی مبتنی بر داده‌های متفاوت برای کشورهای مختلف است.

مرحله ۲: مقیاس‌بندی مجدد داده‌های اختصاصی از صفر تا یک. سؤالات منابع اختصاصی ابتدا از صفر تا یک مقیاس‌بندی می‌شوند. برای مثال، اگر پاسخ به یک سؤال نظرسنجی در مقیاس از حداقل ۱ تا حداکثر ۴ قرار گیرد، امتیاز ۲ را به صورت $(\text{حداقل} - \text{حداکثر}) / (\text{حداقل} - ۱) = ۳ / (۲ - ۱) = ۳$ ، مقیاس‌بندی می‌کنیم. هنگامی که منبع

اختصاصی بیش از یک سؤال مربوط به یک بعد خاص حکمرانی را نشان دهد، میانگین نمرات دوباره مقیاس‌بندی شده را می‌گیریم.

مرحله ۳: استفاده از مدل مؤلفه‌های غیرقابل مشاهده (UCM) برای ساخت میانگین وزنی شاخص‌های اختصاصی برای هر منبع.

یک ابزار آماری مشهور با عنوان مدل مؤلفه‌های غیرقابل مشاهده، برای مقیاس‌بندی صفر تا یک داده‌های قابل مقایسه در تمامی منابع و سپس گرفتن میانگین وزنی داده‌ها از هر منبع برای هر کشور استفاده می‌شود. UCM فرض می‌کند که داده‌های مشاهده شده از هر منبع، یک تابع خطی از سطح غیرقابل مشاهده حکمرانی و همچنین یک ضریب خطا است. این تابع خطی برای منابع مختلف، متفاوت است و بنابراین غیرقابل مقایسه بودن داده‌های بازمقیاس‌بندی شده را تصحیح می‌کند.

UCM به منابعی که ارتباط بیشتری با یکدیگر دارند وزن بیشتری اختصاص می‌دهد. درحالی‌که این وزن‌دهی دقت آماری شاخص‌های کل را بهبود می‌بخشد اما معمولاً تأثیر زیادی بر رتبه‌بندی کشورها در شاخص‌های کلی ندارد. همچنین درخصوص هر شاخص به هر کشور نمره‌ای بین صفر (پایین‌ترین رتبه) تا ۱۰۰ (بالا‌ترین رتبه) داده می‌شود.

شش زیرشاخص حکمرانی به دو روش گزارش می‌شوند: (۱) با واحدهای نرمال استاندارد خود، از حدود ۲٫۵- تا ۲٫۵ و (۲) برحسب رتبه درصدی از ۰ تا ۱۰۰.

یکی از ویژگی‌های کلیدی شاخص حکمرانی این است که تمام نمرات کشورها با خطای استاندارد همراه است. این خطای استاندارد تعداد منابع موجود برای یک کشور و میزان تطابق این منابع با یکدیگر را نشان می‌دهد (هرچقدر منابع و تطابق بیشتر باشد، خطای استاندارد کوچک‌تر است). این خطای استاندارد، نشان‌دهنده این واقعیت است که سنجش حکمرانی با استفاده از هر نوع داده‌ای دشوار است.

تغییرات حکمرانی در طول دوره‌های سالیانه معمولاً اندک بوده و اندازه‌گیری آن معمولاً دشوار است. در مقایسه امتیازات حکمرانی برای یک کشور در طول زمان همانند مقایسه امتیاز کشورهای مختلف باید حاشیه خطا را در نظر گرفت: اگر فاصله اطمینان برآورد حکمرانی در دو دوره با هم همپوشانی داشته باشند، داده‌های شاخص را نباید به عنوان نشان‌دهنده تغییرات معنی‌دار در حکمرانی تفسیر کرد. اکثر تغییرات سالیانه شاخص نسبت به حاشیه خطا که به لحاظ آماری یا عملی قابل توجه هستند، کوچک است و بنابراین نباید به منزله تغییر قابل توجه در عملکرد حکمرانی تفسیر شود. بالاین حال، در خلال دوره‌های طولانی‌تر مانند یک دهه، داده‌های شاخص روند قابل توجهی در حکمرانی در تعدادی از کشورها را نشان می‌دهد.

تغییرات در نمره یک کشور در شاخص در طول زمان نشان‌دهنده ترکیبی از سه عامل است: ۱) تغییر داده‌های اصلی؛ ۲) اضافه شدن منابع داده جدید که تنها در دوره اخیر ارائه شده است؛ ۳) تغییر در وزن استفاده‌شده برای جمع‌آوری منابع اختصاصی. در صورت تغییرات آماری زیاد در طول دوره‌های طولانی، تغییر داده‌های منبع اصلی اغلب مهم‌ترین عامل است. برای بسیاری از تغییرات کوچک‌تر و اغلب ناچیز در دوره‌های کوتاه‌تر، ترکیبی از سه عامل باعث تغییر در نمرات کشور می‌شود.

حکمرانی در این شاخص به صورت ذیل تعریف می‌شود: «سنت‌ها و نهادهایی که توسط آن اقتدار در یک کشور اجرا می‌شود». این تعریف شامل سه بعد است: (الف) فرایندی است که توسط آن دولت‌ها انتخاب، نظارت و جایگزین می‌شوند؛ (ب) ظرفیت دولت برای اجرای مؤثر و درست سیاست‌ها و (ج) احترام به شهروندان و دولت برای نهادهایی که بر تعاملات اقتصادی و اجتماعی میان آن‌ها تأثیر می‌گذارد. ذیل هر یک از موارد فوق دو شاخص تعریف می‌شود.

(الف) فرایندی که دولت‌ها از طریق آن انتخاب، نظارت و جایگزین می‌شوند: این بعد شامل دو شاخص حق اظهارنظر / پاسخگویی و ثبات سیاسی / عدم خشونت است.

۱) حق اظهارنظر و پاسخگویی: به معنای دریافت نظرات شهروندان درخصوص اینکه شهروندان چقدر قادر به مشارکت در انتخاب دولت و همچنین آزادی بیان، آزادی انجمن و رسانه‌های آزاد هستند (Kaufmann & etc, 2010: 3).

عوامل اثرگذار بر این شاخص به این شرح است:

میزان پاسخگویی دولت و سایر گروه‌های دخیل در سیاست‌گذاری نسبت به عملکرد خویش در برابر مردم، احترام به رعایت حقوق انسانی، آزادی انجمن‌ها و سخنرانی، آزادی مذهبی و انتخابات عادلانه، آزادی مشارکت سیاسی، آزادی احزاب و رسانه‌ها، میزان اثرگذاری نظامیان در تصمیمات دولتی، فراهم بودن شرایط لازم برای انتقال نظرات مردم به نمایندگان و کارگزاران دولتی از طریق نظام سیاسی، میزان آگاهی افراد و بنگاه‌های اقتصادی از تصمیمات دولتی که آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و ارائه دیدگاه‌های آزاد و در چارچوب قانون توسط مطبوعات و رسانه‌ها (آرایی، ۱۳۸۸: ۵۰-۴۹).

۲) ثبات سیاسی و عدم وجود خشونت/تروریسم: دریافت ادراک احتمال اینکه دولت از طریق اقدامات غیرقانونی یا خشونت‌آمیز، ازجمله خشونت سیاسی و تروریسم، بی‌ثبات یا سرنگون شود.

عوامل مؤثر بر این شاخص عبارت‌اند از: کاهش قدرت مرکزی، تضادهای فرهنگی/قومی، دخالت‌های نظامی خارجی، اعتراضات سیاسی و ناآرامی‌های اجتماعی تا چه حد ثبات سیاسی کشور را به خطر می‌اندازد، مشکل ترورهای سیاسی تا چه حد ثبات سیاسی را دچار نوسان کرده است، برخوردهای اجتماعی از قبیل اعتراض، اعتصاب و آشوب‌های خیابانی به چه میزان فراگیر شده است و این که آیا تغییر در ترکیب قدرت سیاسی از طریق اقدامات مسالمت‌آمیز و منطبق بر قانون اساسی امکان‌پذیر است یا خیر. شواهد تجربی نشان می‌دهد به‌طور معمول مردم‌سالاری‌های با سابقه از نظر سیاسی با ثبات‌ترند در حالی که دیکتاتوری‌ها اگر در یک برهه زمانی خاص

هم به رشد اقتصادی دست یابند در بلندمدت همواره با خطر بی ثباتی و کاهش رشد اقتصادی مواجه هستند.

ب) ظرفیت دولت برای تدوین و اجرای مؤثر و درست سیاست‌ها: این بعد شامل دو شاخص اثربخشی دولت و کیفیت قوانین و مقررات است.

۳) اثربخشی دولت: دریافت برداشت کیفیت خدمات دولتی، کیفیت خدمات مدنی و میزان استقلال آن از فشار سیاسی، کیفیت تدوین و اجرا و اعتبار تعهد دولت به این سیاست‌ها (همان صفحه).

عوامل مؤثر بر این شاخص عبارت‌اند از: میزان استفاده از مهارت‌های فنی و کاری مدیران رده‌های میانی و بالایی، میزان کارایی دیوان‌سالاری دولت، میزان اثربخشی دولت در جمع‌آوری درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدهای دولتی، توانایی دولت در اجرای سیاست نوآوری ملی، تدوین به موقع بودجه‌های سالانه، میزان توانایی دولت در کنترل روندها و فعالیت‌های اقتصادی/اجتماعی، توانایی دولت در ایجاد زیرساخت‌های ملی، توانایی دولت در حل مشکلات اقتصاد داخلی، چگونگی سیستم‌های نهادی حاکم، کیفیت خدمات مدنی و میزان توانایی دیوان‌سالاری در ادامه ارائه خدمات مدنی بدون تأثیر پذیرفتن از تغییرات سیاسی و جابه‌جایی‌های صورت گرفته در ساخت قدرت سیاسی، توانایی دولت در رویارویی با بلایای طبیعی، مدیریت بدهی‌های خارجی، تمرکززدایی از فعالیت‌های دولتی، رقابت در بین کارکنان دولتی، کیفیت مدارس عمومی، کارایی نیروی پلیس و اینکه آیا تغییر دولت باعث تغییرات وسیع در سیاست‌ها می‌شود و میزان اعتمادپذیری و تداوم سیاست‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد یا خیر؟ (پیشین، ۵۲-۵۱)

۴) کیفیت مقررات: دریافت برداشت‌ها از توانایی دولت در تدوین و اجرای سیاست‌های صحیح و مقرراتی که امکان توسعه و ارتقای بخش خصوصی را فراهم می‌کند.

موضوعاتی که در این شاخص مورد بررسی قرار می‌گیرند عبارت‌اند از: فعالیت‌های ضد رقابتی، کنترل قیمت‌ها، تعرفه‌های تبعیض‌آمیز، سیاست‌های حمایت‌گرایانه بیش‌ازحد، دخالت دولت در سیستم قیمت‌ها و تعیین دستمزد در تجارت، سرمایه‌گذاری خارجی و بانکداری، تصویب و فراهم کردن قوانین تجاری موردنیاز، سازگاری قوانین جاری با سیستم‌های قانونی دیگر کشورها، دستیابی آسان به قوانین و مقررات، تفسیر شفاف، قابل پیش‌بینی و یکسان از قوانین و مقررات کار با رشد فعالیت‌های اقتصادی، سازگاری قوانین و مقررات مالیات با رشد اقتصادی، سازگاری قوانین و مقررات تجاری و بازرگانی با رشد فعالیت اقتصادی، ایجاد یک محیط رقابتی و آزادسازی قیمت‌ها، موانع موجود بر سر راه شروع فعالیت‌های اقتصادی، وجود قوانین ضد انحصار، میزان تعرفه‌هایی که بر واردات تحمیل می‌شود، یارانه‌های پرداختی دولت به صنایعی که به‌طور مصنوعی فعال نگه‌داشته شده‌اند، سیاست‌های حمایت‌گرایانه‌ای که فعالیت بخش خصوصی را محدود کرده است، وجود قوانین و مقررات مناسب برای دستیابی به ثبات مالی، دسترسی نهادهای مالی بین‌المللی به بازارهای داخلی، دستیابی سرمایه‌گذاران داخلی به بازارهای سرمایه خارجی، شفافیت نهادهای مالی، نقش گمرک در تسهیل جریان کالا، مساعدت سیستم بانکداری در گسترش رقابت و درنهایت شفافیت قوانین بخش عمومی برای سرمایه‌گذاران خارجی.

ج) احترام شهروندان و دولت برای نهادهایی که بر تعاملات اقتصادی و اجتماعی میان آن‌ها حکمرانی می‌کنند: این بعد شامل دو شاخص حاکمیت قانون و کنترل فساد است.

۵) حاکمیت قانون: دریافت ادراک درباره میزان اعتماد به عناصر و اعتماد به قوانین جامعه و به‌ویژه کیفیت اجرای قرارداد، حقوق مالکیت، پلیس، دادگاه‌ها و همچنین احتمال جرم و خشونت.

سؤال‌هایی که در بحث حاکمیت قانون مطرح می‌شود عمدتاً حول محورهای زیر قرار دارد:

آیا دولتمردان نیز همانند شهروندان در برابر قانون یکسان هستند؟ هزینه‌های مترتب بر اقدام به جرم در جامعه چه مقدار است؟ پیمان‌ها و تعهدات دولتی تا چه حد قابلیت اجرا دارند؟ قراردادهای بخش خصوصی تا چه حد قابلیت اجرا دارند؟ وضعیت جرایم همراه با خشونت و جرایم سازمان‌دهی شده چگونه است؟ آیا اصل عدالت و انصاف در نظام قضایی و اصل سرعت در اجرای مراحل قضایی رعایت می‌شود؟ آیا امکان توقیف و یا مصادره اموال وجود دارد؟ وضعیت اقتصاد زیرزمینی، تضمین حقوق مالکیت، پولشویی و جرایم مالی به چه صورت است؟ آیا نظام قضایی از استقلال کافی برخوردار است؟ آیا دولت و یا سایر افراد می‌توانند بر فرآیند قضاوت و نحوه تصمیم‌گیری تأثیرگذار باشند؟ بی‌طرفی نظام قضایی تا چه حد موردتوجه قرار می‌گیرد؟ آیا سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی در برابر جرایمی از قبیل آدم‌ربایی، تجاوز، تعدی و خشونت امنیت دارند؟ قابلیت اعتمادپذیری نظام قضایی، تضمین اجرای تصمیمات قضایی، هزینه‌ها و محدودیت‌هایی که جرایم عمومی و سازمان‌دهی شده بر فرآیند اجرای فعالیت‌های اقتصادی تحمیل می‌کنند، کیفیت پلیس، فرار مالیاتی و امنیت شخصی ازجمله حوزه‌های دیگری هستند که موقعیت شاخص حاکمیت قانون را تحت تأثیر قرار می‌دهند (پیشین، ۵۵-۵۴).

۶) کنترل فساد: میزان استفاده از قدرت دولتی به نفع منافع خصوصی شامل دو شکل کوچک و بزرگ فساد و نیز "تسخیر" دولت توسط نخبگان و منافع خصوصی (همان صفحه).

ازجمله عوامل اثرگذار بر موقعیت شاخص کنترل فساد عبارت‌اند از: میزان شیوع فساد در کشور، گسترش روابط فامیلی و استفاده از قدرت به نفع دوستان در بین اعضای کابینه و سایر شخصیت‌های تراز اول و همچنین در بین مدیران رده بالا و رده

میانی، اثرات زیان‌باری که فساد سیستم سیاسی بر انحرفات محیط اقتصادی و مالی و در نتیجه کارایی دولت خواهد داشت، گسترش کاغذبازی در دیوان‌سالاری‌ها که زمینه بروز فساد را فراهم می‌کند، میزان شیوع پرداخت‌های غیرقانونی در بین افراد و شرکت‌های دولتی برای پیشبرد کارها، پرداخت‌هایی که برای تأثیر بر فرآیند قانون‌گذاری انجام می‌شود، عدم اعتماد عمومی به درستکاری مالی سیاستمداران، پرداخت‌هایی که برای دستیابی به مجوزهای صادراتی و وارداتی و همچنین فرار مالیاتی صورت می‌گیرد، استفاده سیاستمداران از بودجه عمومی و در نهایت پرداخت‌های غیرقانونی که توسط افراد با نفوذ و همچنین انحصارات در راستای زیان سایر بنگاه‌ها صورت می‌گیرد (پیشین، ۵۶-۵۵).

بانک جهانی بر این باور است که شش بعد حکمرانی را نباید مستقل از یکدیگر تصور کرد. این تصور منطقی است که سازوکارهای پاسخگویی بهتر باعث فساد کمتری می‌شود یا یک دولت کارآمدتر می‌تواند یک محیط نظارتی بهتری را فراهم کند یا احترام به حاکمیت قانون منجر به فرایندهای منصفانه برای انتخاب و جایگزینی دولت و سوءاستفاده کمتر از مقام دولتی برای سود شخصی شود.

وضعیت کشورها در شاخص ۲۰۱۶

در جدیدترین شاخص حکمرانی، وضعیت ۲۱۴ کشور یا قلمرو جغرافیایی موردبررسی قرار گرفته است. بسیاری از این قلمروها، جزایر و مناطق خودمختار وابسته به کشورهای بزرگ‌تر هستند. در شاخص حکمرانی برخلاف اکثر شاخص‌های معتبر بین‌المللی سعی شده به جای رتبه‌بندی کشورها، امتیاز هر کشور در شاخص‌های شش‌گانه ارائه شود.

نگاهی به وضعیت کشورهای مختلف جهان در زیرشاخص‌های حکمرانی نشان می‌دهد کشورهایی که در مناطق خاصی همچون اسکاندیناوی، اقیانوسیه و آسیای

شرقی و آمریکای شمالی قرار دارند از وضعیت بهتری نسبت به سایر کشورها برخوردار هستند درحالی که اغلب کشورهای واقع در قاره آفریقا و منطقه خاورمیانه وضعیت مطلوبی در این شاخص ندارند.

همان طور که در بخش روش‌شناسی بیان شد، در شاخص حکمرانی درخصوص هر زیرشاخص به هر کشور نمره‌ای بین صفر تا ۱۰۰ اختصاص داده می‌شود که صفر نشانگر ضعیف‌ترین عملکرد و ۱۰۰ حاکی از بهترین عملکرد کشور است. بر این اساس در شاخص حق اظهارنظر و پاسخگویی سه کشور نروژ، فنلاند و هلند به ترتیب در رتبه‌های اول تا سوم قرار گرفته‌اند در حالی که سه کشور کره‌شمالی، ترکمنستان و اریتره در پایین‌ترین جایگاه قرار دارند.

۱۰ کشور دارای بهترین امتیاز در شاخص حق اظهارنظر و پاسخگویی

نام کشور	امتیاز
نروژ	۱۰۰
فنلاند	۹۹٫۰۱
هلند	۹۸٫۵۲
دانمارک	۹۸٫۰۳
سوئیس	۹۷٫۵۴
نیوزلند	۹۷٫۰۴
لوکزامبورگ	۹۶٫۵۵
کانادا	۹۶٫۰۶
بلژیک	۹۵٫۵۷
ایسلند	۹۵٫۰۷

۱۰ کشور دارای پایین‌ترین امتیاز در شاخص حق اظهارنظر و پاسخگویی

نام کشور	امتیاز
کره شمالی	۰
ترکمنستان	۰,۴۹
اریتره	۰,۹۹
سوریه	۱,۴۸
گینه استوایی	۱,۹۷
ازبکستان	۲,۴۶
سومالی	۲,۹۶
سودان	۳,۴۵
عربستان سعودی	۳,۹۴
لائوس	۴,۴۳

در شاخص ثبات سیاسی و عدم خشونت سه کشور گرینلند، سنگاپور و نیوزلند به ترتیب در رده‌های اول تا سوم قرار دارند در حالی که سه کشور سوریه، یمن و افغانستان به دلیل جنگ داخلی در بدترین وضعیت قرار گرفته‌اند.

۱۰ کشور دارای بهترین امتیاز در شاخص ثبات سیاسی/عدم خشونت

نام کشور	امتیاز
گرینلند	۱۰۰
سنگاپور	۹۹,۵۲
نیوزلند	۹۹,۰۵
لیختن اشتاین	۹۸,۵۷
ماکائو	۹۸,۱۰
لوکزامبورگ	۹۷,۶۲

امتیاز	نام کشور
۹۷,۱۴	آندورا
۹۷,۱۴	تووالو
۹۶,۱۹	ایسلند
۹۵,۷۱	سوئیس

۱۰ کشور دارای کمترین امتیاز در شاخص ثبات سیاسی/عدم خشونت

امتیاز	نام کشور
۰	سوریه
۰,۴۸	یمن
۰,۹۵	افغانستان
۱,۴۳	پاکستان
۱,۹۰	سودان جنوبی
۲,۳۸	سودان
۲,۸۶	سومالی
۳,۳۳	عراق
۳,۸۱	لیبی
۴,۲۹	کنگو کینشازا

در شاخص اثربخشی حکومت، کشورهای سنگاپور، سوئیس و دانمارک در بهترین جایگاه قرار گرفته‌اند اما سه کشور سودان جنوبی، سومالی و هائیتی در پایین‌ترین رتبه قرار دارند.

۱۰ کشور دارای بهترین امتیاز در شاخص اثربخشی حکومت

امتیاز	نام کشور
۱۰۰	سنگاپور
۹۹٫۵۲	سوئیس
۹۹٫۰۴	دانمارک
۹۸٫۵۶	نروژ
۹۸٫۰۸	هنگ کنگ
۹۷٫۶۰	آندورا
۹۷٫۱۲	نیوزلند
۹۶٫۶۳	فنلاند
۹۶٫۱۵	هلند
۹۵٫۶۷	ژاپن

۱۰ کشور دارای کمترین امتیاز در شاخص اثربخشی حکومت

امتیاز	نام کشور
۰	سودان جنوبی
۰٫۴۸	سومالی
۰٫۹۶	هائیتی
۱٫۴۴	لیبی
۱٫۹۲	سوریه
۲٫۴۰	یمن
۲٫۸۸	آفریقای مرکزی
۳٫۳۷	اریتره
۳٫۸۵	کره شمالی
۴٫۳۳	گینه بیسائو

در شاخص کیفیت قوانین و مقررات به ترتیب کشورهای سنگاپور، هنگ کنگ و نیوزلند در بالاترین رتبه‌ها قرار گرفته‌اند در حالی که سه کشور کره شمالی، لیبی و سومالی در پایین‌ترین رتبه‌ها قرار گرفته‌اند.

۱۰ کشور دارای بهترین امتیاز در شاخص کیفیت قوانین و مقررات

نام کشور	امتیاز
سنگاپور	۱۰۰
هنگ کنگ	۹۹٫۵۲
نیوزلند	۹۹٫۰۴
هلند	۹۸٫۵۶
سوئیس	۹۸٫۰۸
استرالیا	۹۷٫۶۰
سوئد	۹۷٫۱۲
فنلاند	۹۶٫۶۳
آلمان	۹۶٫۱۵
ماکائو	۹۵٫۶۷

۱۰ کشور دارای کمترین امتیاز در شاخص کیفیت قوانین و مقررات

نام کشور	امتیاز
کره شمالی	۰
لیبی	۰٫۴۸
سومالی	۰٫۹۶
اریتره	۱٫۴۴
ترکمنستان	۱٫۹۲

نام کشور	امتیاز
ونزوئلا	۲,۴۰
سودان جنوبی	۲,۸۸
زیمبابوه	۳,۳۷
سوریه	۳,۸۵
ازبکستان	۴,۳۳

در شاخص حاکمیت قانون کشورهای سوئد، نروژ و فنلاند در رتبه‌های اول تا سوم قرار گرفته‌اند در حالی که سه کشور سومالی، ونزوئلا و سوریه در پایین‌ترین رتبه‌ها قرار گرفته‌اند.

۱۰ کشور دارای بالاترین امتیاز در شاخص حاکمیت قانون

نام کشور	امتیاز
سوئد	۱۰۰
نروژ	۹۹,۵۲
فنلاند	۹۹,۰۴
سوئیس	۹۸,۵۶
نیوزلند	۹۸,۰۸
دانمارک	۹۷,۶۰
هلند	۹۷,۱۲
کانادا	۹۶,۶۳
سنگاپور	۹۶,۱۵
اتریش	۹۵,۶۷

۱۰ کشور دارای کمترین امتیاز در شاخص حاکمیت قانون

نام کشور	امتیاز
سومالی	۰
ونزوئلا	۰,۴۸
سوریه	۰,۹۶
لیبی	۱,۴۴
آفریقای مرکزی	۱,۹۶
عراق	۲,۴۰
سودان جنوبی	۲,۸۸
کره شمالی	۳,۳۷
افغانستان	۳,۸۵
کنگو کیشازا	۴,۳۳

در شاخص کنترل فساد سه کشور نیوزلند، فنلاند و دانمارک در رتبه‌های اول تا سوم قرار دارند در حالی که کشورهای گینه استوایی، سومالی و یمن به ترتیب در پایین‌ترین رتبه‌ها قرار گرفته‌اند.

۱۰ کشور دارای بیشترین امتیاز در شاخص کنترل فساد

نام کشور	امتیاز
نیوزلند	۱۰۰
فنلاند	۹۹,۵۲
دانمارک	۹۹,۰۴
سوئد	۹۸,۵۶
نروژ	۹۸,۰۸

نام کشور	امتیاز
لوکزامبورگ	۹۷٫۶۰
سنگاپور	۹۷٫۱۲
لیختن اشتاین	۹۶٫۶۳
سوئیس	۹۶٫۱۵
ایسلند	۹۵٫۶۷

۱۰ کشور دارای کمترین امتیاز در شاخص کنترل فساد

نام کشور	امتیاز
گینه استوایی	۰
سومالی	۰٫۴۸
یمن	۰٫۹۶
سودان	۱٫۴۴
سودان جنوبی	۱٫۹۲
سوریه	۲٫۴۰
لیبی	۲٫۸۸
افغانستان	۳٫۳۷
گینه بیسائو	۳٫۸۵
ترکمنستان	۴٫۳۳

فرجام سخن

اگر حکمرانی را شیوه درست اعمال قدرت تعریف کنیم شاخص‌های مختلفی برای آن طراحی شده است. بانک جهانی شش شاخص برای این مفهوم تعریف کرده است که ابعاد اقتصادی، حقوقی، سیاسی، اجتماعی و مدیریتی را در نظر می‌گیرد؛ این شاخص‌ها شامل حق اظهارنظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و عدم خشونت/تروریسم، اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد هستند. در شاخص حکمرانی، اطلاعات مربوطه با استفاده از طیف وسیعی از منابع جمع‌آوری می‌شود و ذیل شش بعد حکمرانی تقسیم می‌شود. برای هر یک از این زیرشاخص، از روش آماری موسوم به مدل مؤلفه‌های غیرقابل مشاهده استفاده می‌شود.

در شاخص حکمرانی وضعیت بیش از ۲۰۰ کشور جهان مورد بررسی قرار می‌گیرد. بر این اساس به هر کشور در شاخص‌های شش‌گانه امتیاز مجزایی داده می‌شود که این امتیاز از صفر تا ۱۰۰ است. امتیاز صفر نشانگر ضعیف‌ترین عملکرد کشور و امتیاز ۱۰۰ نشانگر بهترین عملکرد کشوری است. اغلب کشورهایی که از وضعیت حکمرانی مطلوبی برخوردار هستند به مناطق اسکاندیناوی در اروپا، آسیای جنوب شرقی و اقیانوسیه و آمریکای شمالی تعلق دارند اما بیشتر کشورهای واقع در آفریقا و خاورمیانه از وضعیت چندان مطلوبی برخوردار نیستند.

فهرست منابع

- آرای، وحید (۱۳۸۸)، "حکمرانی خوب به مثابه آرمان نظارت و بازرسی"، سازمان بازرسی کل کشور، گزارش پژوهشی، شماره ۶
- پرچمی، داود و جلالی، فاطمه (۱۳۹۵)، "بررسی عوامل مؤثر بر کارآمدی سیاسی دولت‌ها در منطقه غرب آسیا"، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال نوزدهم، شماره ۷۱
- حق‌شناس، محمدجواد (۱۳۹۲)، "آسیب‌شناسی سیاست‌های مقابله با فساد اداری در جمهوری اسلامی ایران و ارائه الگوی مطلوب: مطالعه تطبیقی ترکیه و پاکستان"، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، رساله دکتری در رشته سیاست‌گذاری عمومی
- درگاه اینترنتی شاخص حکمرانی جهانی به نشانی:
<http://info.worldbank.org/governance/wgi/#home>
- رزاکرمن، سوزان (۱۳۸۴)، فساد و دولت، علت‌ها، پیامدها و اصلاح؛ ترجمه علی صبور، نشر و پژوهش شیرازه، چاپ اول
- فقیهی، ابوالحسن (۱۳۸۰)، "نظام‌های پاسخگویی در بخش دولتی: دیدگاهی تطبیقی"، مجموعه مقالات دومین همایش علمی و پژوهشی نظارت و بازرسی در کشور، سازمان بازرسی کل کشور.
- قلی‌پور، رحمت‌اله (۱۳۸۴)، "تحلیل رابطه الگوی حکمرانی خوب و فساد اداری"، نشریه فرهنگ مدیریت، سال سوم، شماره دهم، پائیز.
- کایر، آنه مته (۱۳۸۶)، حاکمیت (مفاهیم کلیدی)، ترجمه ابراهیم گلشن و علی آدوسی، تهران: موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- مرکز المیری، احمد (۱۳۸۵)، حاکمیت قانون: مفاهیم، مبانی و برداشت‌ها، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

- موثقی، احمد و کرمزادی، مسلم (۱۳۹۰)، "بررسی تأثیر ثبات سیاسی بر توسعه"، فصلنامه سیاست، دوره ۴۱، شماره ۳
- هاشمی، سید محمد (۱۳۸۰)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر دادگستر، ج. ۲.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۵)، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علم
- Aucoin P., Heintzman R.(2000). "The Dialectics of Accountability for Performance in Public Management Reform", Journal of "International Review of Administrative Sciences".
- Belton, K.(2005). "Competing Definitions of the Rule of Law: Implications for Practitioner", Carnegie Endowment, Carnegie Paper No. 55, retrieved March 5, 2012, from: <http://carnegieendowment.org/files/CP55.Belton.FINAL.pdf>.
- Campbell C. (1993). "Public Service and Democratic Accountability" in R.A. Chapman (ed.) Ethics in Public Services, Ottawa: Carleton University Press.
- Dowding, Keith and Richard Kimber. (1983) "The Meaning of Political Stability", European Journal of Political Research, V. 11.
- Elsenhans, H. (2001). "The Political Economy of Good Governance", Journal of Developing Societies, No. 2 , Vol. 33.
- Goel, S. L.(2007). Good Governance; an Integral Approach, New Delhi: Deep & Deep Publications Pvt. Ltd.
- Miljokovic, Dragan and Arbindra Rimal. (2008) "The impact of Socio-economic Factors on Political Instability", The Journal of Socio-Economic, V. 37.

- Kaufmann, D. , Kraay, A. and Mastruzzi, M. (2010), "The Worldwide Governance Indicators: Methodology and Analytical Issues", World Bank, Draft Policy Research Working Paper
- Mandl, U., A. Dierx, F. Ilzkovitz (2008). "The effectiveness and efficiency of public spending, European Commission", Directorate-General for Economic and Financial Affairs Publications.
- Oxford Dictionaries (2012). retrieved December, 27, 2012 from:
<http://oxforddictionaries.com/definition/english/governance?q=governance>.
- UNESCAP (2011). "What is Good Governance?", Retrieved May 15, 2011 from:
- <http://www.unescap.org/pdd/prs/ProjectActivities/Ongoing/gg/governance.asp>.
- World Bank (1989). Sub-Saharan Africa: from crisis to sustainable growth, Washington DC.
- Weiss, Thomas G.(2000). "Governance, Good Governance and Global Governance: Conceptual and Actual Challenges", Third World Quarterly, Vol. 21, No. 5.



گزشت پژوهشی

مرکز مطالعات و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد

نشانی: تهران، خیابان طالقانی، تقاطع سپید قرنی
ساوومان پاؤرسی گل کشر، طبله ششم

شماره تماس: ۶۱۶۶۶۶۰۷

نشانی الکترونیک: bazrasi.research@136.ir

www.bazresi.ir